

Research Article

Friendship of Hearts and Dignity in the Foreign Policy of the Islamic Government¹

Alireza Naeij¹, Mohammad Neghadari², Rasool Norouzi Firooz³

1. Doctor of International Relations and lecturer at Baqer al-Uloom University (AS); Member of Hozeh Political Studies Association, Qom, Iran. Alireza128@gmail.com

2. Master student of political jurisprudence, Baqer al-Uloom University, Qom, Iran (**responsible author**). m_neghadari@yahoo.com

3. Assistant Professor, Institute of Islamic Sciences and Culture, and a member of the Association of Political Studies, Qom, Iran. Rasoolnorouzi@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to answer how an Islamic government can make a friendly relationship with other states and at the same time sustain its dignity. The research relies on the hypothesis that determining the components of dignity in the international level such as not revealing the secrets and needs of the Islamic state, not adopting the Kuffar (unbelievers) as confidant, and also an analysis of the ways on how to make a friendly relationship with others for giving scientific, economic, and humanitarian services as well as cooperation with different governments in the fields of defense industry can present a model to substantiate friendship of hearts with non-Islamic governments and as result "improvement under the word of commonality" as a premise for advertising religion. The method of study is descriptive analysis and the results showed that dignity should involve persistence on the ideas of the one who has dignity. It means that the Islamic government should not easily give up its theological-political stand against the enemy such that other actors in the realm of international relations witness this stability and self-defense of the Islamic government. However, the Islamic government should not fall into the trap of overindulgence or underindulgence because the opposite country may raise tremendous inappropriate requests by overindulgence and make the Islamic state encounter security problems, and likewise, underindulgence may decrease the possibility of making an affectionate relationship with non-Muslim states.

Keywords: Invitation, Dignity, Friendship of Hearts, Foreign Policy, International Relations.

1. **Received:** 2021/03/04; **Accepted:** 2021/06/06

* Copyright © the authors

** <http://sm.psas.ir/>



تألیف قلوب و عزت در سیاست خارجی دولت اسلامی^۱

علیرضا نائیج^۱، محمد نگهداری^۲، رسول نوروزی فیروز^۳

۱. دکتری روابط بین‌الملل و مدرس دانشگاه باقرالعلوم(ع)؛ عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران.

Alireza128@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

m_negahdari@yahoo.com

۳. استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران.

Rasoolnorozi@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سوال اساسی است که دولت اسلامی چگونه می‌تواند ضمن حفظ عزت خود رابطه‌ای با هدف تألیف قلوب را ایجاد کند؟ پژوهش بر این فرضیه استوار است که با تبیین مولفه‌های عزتمندی در ابعاد بین‌المللی همچون، عدم افشاء اسرار و احتیاجات دولت اسلامی و عدم اتخاذ کفار به عنوان هم‌راز و نیز تحلیل روش‌های ایجاد یک رابطه دستانه از جمله، ارائه خدمات علمی، اقتصادی و بشردوستانه و همکاری در عرصه‌های صنایع دفاعی با دولت‌های مختلف بتوان الگویی در جهت تحقق تألیف قلوب دولت‌های غیراسلامی، و در نتیجه امتثال امر به «تعالی ذیل کلمه سواء»، به عنوان مقدمه تبلیغ دین ارائه نمود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که عزت باید شامل صلابت و مقاومت بر موضع شخص عزتمند باشد، یعنی دولت اسلامی به راحتی از مواضع اعتقادی-سیاسی خود کوتاه نیاید و در برابر دشمن باشد. در عرصه روابط بین‌الملل، بازیگران دیگر این ثبات و دفاع از موضع خود را از دولت اسلامی شاهد باشند. دولت اسلامی در مسأله تألیف قلوب و جلب محبت نباید گرفتار افراط یا تفریط گردد، چرا که با افراط کشور مقابل ممکن است درخواست‌های زیاد و نابجایی مطرح نموده و چه بسا دولت اسلامی با مسائل و مشکلات امنیتی مواجه گردد، با تفریط نیز امکان اینکه تعامل محبت‌آمیز با دولت‌های غیر مسلمان ایجاد شود؛ کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: دعوت، عزت، تألیف قلوب، سیاست خارجی، روابط بین‌الملل.

۱. مقدمه

زندگی انسانی همواره به صورت گروهی شکل گرفته که این نحو از تعامل، الزاماتی نیز به همراه دارد. با توسعه زندگی و گسترش مدنیت و عظیم‌تر شدن اجتماعات بشری، طبعاً ارتباطات اعضای این مجموعه بیشتر می‌شود. در این وضعیت طرفداران عقاید مختلف درصدد توسعه حدود و ثغور انسانی و جغرافیایی پیروان خود برمی‌آیند. دین اسلام به عنوان دینی و حیانی، افق گسترش خود را چنان بالا و وسیع در نظر گرفته که از همان ابتدا سردمداران امپراطوری‌های بزرگی چون روم و ایران را مورد خطاب قرار داد و در این مسیر روش‌های مختلفی را به اجرا گذاشت. در عصر حاضر گستردگی و پیچیدگی جوامع امروزی و بالا رفتن سطح ارتباطات و تنوع در روش‌های تعامل، تبلیغ دین در سطح بین‌الملل نیز نیازمند روش‌های موثر است.

یکی از ادله اثبات ولایت برای فقها در زمان غیبت، وجود بعضی از احکام، مانند احکام جزایی در اسلام است که بدون وجود حکومت اسلامی، قابل اجرا نیست، نه تنها اجرای احکام، بلکه تأمین امنیت مسلمانان، از جهت دشمنان داخلی و دفع تهدیدهای احتمالی خارجی و همچنین تبلیغ دین در مقیاس جهانی، از تکالیف دولت اسلامی است، چرا که جامعه هدف کامل‌ترین دین کل جامعه بشری می‌باشد. با ملاحظه موارد فوق، می‌طلبید که دولت اسلامی، مناسبات روابط بین‌الملل خود را به گونه‌ای تنظیم نماید تا همه مقاصدش در تعامل با کشورهای دیگر، به ویژه غیرمسلمانان محقق گردد.

یکی از مقاصد شریعت در تنظیم روابط بین‌الملل، تحدید این ارتباطات براساس اصل عزّت اسلامی می‌باشد. حال ممکن است این سوال ایجاد شود که اساساً چرا باید رابطه مسلمانان و جامعه اسلامی با غیرمسلمانان، براساس عزّت تعریف شود. در پاسخ می‌گوییم، اگر قرار شد صرفاً منافع ملی، معیار تعامل بین‌المللی قرار گیرد، چه بسا حاضر به عقد بعضی معاهدات بین‌المللی شویم، که به ظاهر به نفع جامعه اسلامی است، اما چون عنصر عزّتمندی در آنها رعایت نشده، هیچ ضمانتی جهت اجرایی شدن این قراردادهای توسط طرف مقابل وجود نخواهد داشت.

مسأله ذهنی پژوهش حاضر این است که آیا می‌توان رابطه تعاملی مثبتی را با بعضی از کشورهای غیرمسلمان برقرار کرد که از طرفی تأمین‌کننده نظر شارع مقدس به لحاظ عزّتمندی بوده و از طرف دیگر، بتواند انس و الفت را بین دو دولت ایجاد نماید. چرا که دولت اسلامی هم حاضر به پذیرش ذلت نبوده و هم باید به جهت جذب اطمینان خاطر دولت مقابل، امتیازاتی اعطاء نماید. از این‌رو پژوهش حاضر با الهام

گرفتن از آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع)، و استنباط راهکارهای متخذ از این منابع، سعی در ارائه پیشنهاداتی کاربردی جهت نیل به یکی از اهداف جامعه اسلامی، یعنی تبلیغ دین نموده است. آنچه به نظر می‌آید این است که می‌توان چهارچوب مشخصی را در این راستا ترسیم نمود، به این نحو که این روابط به چند عامل بستگی دارد. نخست جهت‌گیری کشور متعاقد و متضامن است، یعنی اگر کشور مقابل، کشوری باشد که مشهور به عهدشکنی است و پایبندی حداقلی دارد، یا مثلاً بنای تخاصم با اعتقادات و معنویات را داشته باشد، بدون أخذ تعهدات و ضمانت‌های کافی، نمی‌توان ارتباط اطمینان‌آوری را برنامه‌ریزی نمود. از سوی دیگر، اگر کشور مقابل ما اصل انصاف را در تعاملات مراعات کرده و کنش‌گری منصف و یا دست‌کم بی‌طرف و خنثی باشد، می‌توان برای نیل به تألیف قلوب و ایجاد زمینه‌های دوستی و حتی دفع شر احتمالی‌شان، از بعضی خدمات اولیه، به عنوان نقطه شروع کار آغاز نمود و سپس این همکاری‌ها را گسترش داد. در پژوهش حاضر به منظور بررسی این فرضیه، ابتدا چارچوب مفهومی بحث تشریح شده و سپس رابطه میان مفاهیم تبیین می‌گردد.

۲. چارچوب مفهومی

در این بخش به سه مفهوم عزّت، تألیف قلوب و روابط بین‌الملل پرداخته می‌شود تا براساس تعاریف موجود بتوان ارتباط میان اجزاء این سه را در بخش‌های بعدی تبیین و ترسیم نمود:

۲-۱. عزّت

«عزّت» به معنای حالتی است که از شکست انسان، پیش‌گیری می‌کند و «ذلت» همان نبود عزّت و شرافت در انسان است. به همین دلیل انسان ذلیل، شکست را به راحتی می‌پذیرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۵۶۳-۵۶۴). قرآن کریم می‌فرماید: «ایبتغون عندهم العزة فان العزة لله جميعا». پس صلابت و نفوذناپذیری، در معنای عزّت اصل است، «عزّت به معنای اینکه چیزی قاهر باشد و نه مقهور، مختص به خداوند عزّو جلّ است و هر کس عزّت می‌خواهد، باید از خدای تعالی بخواهد، زیرا عزّت همه‌اش ملک خدا است» (طباطبائی، ۱۳۶۳: ج ۱۷، ص ۲۸). نکته دیگر در مورد معنای عزّت این است که لازمه عزّت، مقاومت بر موضع و عدم انقیاد اکراهی می‌باشد که بعضی از معجم‌ها به خوبی به آن اشاره کرده‌اند، «أن اذلال الرجل للرجل هنا أن يجعله منقادا على الكره أوفى حكم المنقاد» (عسکری، ۱۴۱۲ق: ص ۳۲)، «اینکه شخصی شخص دیگر را ذلیل کند»، به این معناست که دیگری را به اجبار تحت اراده

خود در آورد و یا برخلاف میل باطنی اش، او را مطیع خود بگرداند». نکته مهم تر اینکه اگر این انقیاد اکرایی در ملاء عام و در انظار دیگران اتفاق بیفتد، معنای ذل و ضد عزّت به خود می‌گیرد، «اذلال أحدنا لغيره غلبته له علی وجه يظهر و یشتهر ألا تری أنه اذا غلبه فی خلوة لم یقل انه اذله»، «ذلیل کردن دیگری وقتی اتفاق می‌افتد که افراد دیگری، قهر و غلبه ما را ببینند و ظاهر و مشهور شود، چرا که غلبه در خفاء را ذلیل کردن نمی‌گویند (عسکری، ۱۴۱۲ق: ص ۳۲). قید دیگر در عزّت این است که در مقابل دوست عزّت به خرج نمی‌دهیم و بال و پر تواضع را می‌گشاییم، اما عزّت در برابر دشمنان معنا پیدا می‌کند. «و العز یدل علی العداوة و البراءة»، «عزّت دلالت بر دشمنی و بیزاری دارد» (عسکری، ۱۴۱۲ق: ص ۳۲). ضعف از مقاومت در برابر موضع خود، ذلت است، چرا که «و قد قیل الذلة الضعف عن المقاومة و منه الذلول و هو المقود من غیر صعوبة لأنه ینقاد انقیاد الضعیف عن المقاومة و أما الذلیل فانه ینقاد علی مشقة»، «وگفته شده، ذلت ضعف از مقاومت کردن است، و ذلول یعنی کسی که بدون هیچ مقاومت و مشقّتی، پیروی و تبعیت می‌کند» (عسکری، ۱۴۱۲ق: ص ۳۲). در مجموع چند قید مهم در معنای عزّت، دخیل است، شامل صلابت و مقاومت بر موضع خود، و در برابر دشمن بودن و اینکه دیگران شاهد تفوق و برتری ما باشند.

۲-۲. تألیف قلوب

مؤلفه القلوب را در لغت، از این عبارات برگرفته‌اند: «الْفَتْ بَيْنَهُمْ تَأْلِيفًا»، «الفت عمیقی بین آنها ایجاد کردی»، یعنی تفرقه بین آنها را از بین بردی» (ابن منظور، بی تا: ج ۹، ص ۹). بنابراین در لغت به معنای پیوند دادن بین دل‌ها و جمع کردن آنها است. راغب اصفهانی چنین می‌گوید: «الْمَوْلُفُ: ما جمع من أجزاء مختلفة، و رتّب ترتیباً قدّم فیهِ ما حقّه أن یقدّم، و آخر فیهِ ما حقّه أن یؤخر» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۸۱).

مؤلفه القلوب در اصطلاح، يك معنای عام و يك معنای خاص دارد: این کلمه در معنای اصطلاحی عام آن به کفاری اطلاق می‌شود که با اختصاص بخشی از زکات به ایشان، دل‌های ایشان جلب و به اسلام متمایل می‌شود و یا در جهاد یا دفاع، مسلمانان را همراهی می‌کنند (طباطبایی یزدی، بی تا: ج ۲، ص ۳۰). مؤلفه القلوب در معنای اصطلاحی خاص آن شامل کسانی می‌شود که پیامبر اکرم (ص) برای جلب آنها به اسلام، بخشی از غنائم جنگ هوازن را به ایشان بخشید. این گروه، شامل افرادی چون ابوسفیان،

معاویه، حکیم بن حزام، نصر بن حارث و دیگران بودند (طبری، ۱۸۷۹م: ج ۳، ص ۷۰).

۲-۳. روابط بین الملل

دو مفهوم عزّت و تألیف قلوب زمانی جایگاه خود را می‌یابند که بتوان تصویری روشن از محیطی که این دو مفهوم در آن تحقق می‌یابند، ارائه داد. روابط بین الملل و نظام بین الملل، محیطی است که در آن کنش‌گر و بازیگر اسلامی می‌بایست از طریق اجرای «تألیف قلوب»، به هدف و مقصد «عزّت» در سیاست خارجی دست یابد. روابط بین الملل همانند همه مفاهیم، از تنوع تعاریف برخوردار است. در تعریف مختار در این پژوهش روابط بین الملل در تعریفی جامع عبارت است از تعاملات یا اندرکنش‌های^۱ مختلف میان بازیگران^۲ و کنش‌گران عرصه جهانی برگرفته از سیاست خارجی^۳ آنها که دارای ابعاد دوگانه می‌باشد.^۴ در این تعریف، برخلاف تعاریف سنتی، روابط صرفاً محدود به روابط سیاسی بین دولت‌ها نیست که در این صورت روابط بین الملل مترادف با سیاست بین الملل می‌شود (Mansbach & Raffery, 2008: P.7). همچنین هنگامی که از اصطلاح بازیگران استفاده می‌شود، منظور هر پدیده‌ای است که در این تعامل نقشی داشته باشد، یعنی بازیگران موثر در روابط بین الملل به معنای عام آن، نه صرفاً بازیگران با ماهیت سیاسی. به عبارت دیگر، گروه‌های خارج از حاکمیت و دولت نیز در این تعریف دیده می‌شوند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۸: ج ۱، ص ۱۳). منظور از رابطه، هرگونه رابطه و منظور از ملل نیز همه بازیگران و کنش‌گران اعم از دولتی و غیردولتی می‌باشند (همان: ص ۱۴)، یعنی بسیاری از روابط بین کشورها خواهد بود و بسیاری دیگر نخواهد بود (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۲۴).

۳. تألیف قلوب و حفظ عزّت در سیاست خارجی

۳-۱. عدم افشاء اسرار و احتیاجات دولت اسلامی

لازمه تألیف قلوب دولت کافر، رابطه گسترده و وسیع‌تر دولت اسلامی با آنان می‌باشد و این مهم ممکن

1. Interactions
2. Actors
3. Foreign policy
4. Double dimension

است باعث اطلاع و آگاهی یافتن دولت کافر از اسرار و احتیاجات و احياناً نواقصی از دولت اسلامی گردد، و محتمل است افشاء اسرار، اطلاعات و احتیاجات دولت‌ها، به عنوان پاشنه آشیل و نقطه ضعفی برای ما منظور شده و از همین طریق، مورد هجومه و فشار سیاسی، اقتصادی و یا فرهنگی قرار بگیریم. از این‌رو، در فرهنگ قرآن، هرگونه راهنمایی و خط دادن به دشمن در جهت تحمیل فشار به دولت اسلامی و یا در جهت امیدوار کردن دشمن و سخت شدن امور بر مسلمانان و به تأخیر افتادن پیروزی مسلمانان، خیانت به خدا و رسول و مسلمانان محسوب شده و به شدت از آن نهی می‌نماید. کما اینکه در داستان ابولبابه، تعبیر سنگین خیانت را استفاده نموده و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید!» (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که می‌دانید (این کار، گناه بزرگی است)» (انفال، ۲۷).

علامه طباطبائی قید پنهانی بودن خیانت را مطرح نموده و می‌فرماید: «خیانت» به معنای نقض امانت و «امانت» عبارت است از اینکه به وسیله عهد و یا وصیت و امثال آن، امنیت حقی از حقوق حفظ شود. خیانت به معنای «مخالفت پنهانی با حقی از حقایق و شکستن پیمان آن است» (طباطبائی، ۱۳۶۳: ج ۹، ص ۶۸-۷۰). در نتیجه، در صورتی که اسرار و اطلاعات محرمانه در اختیار دشمن قرار گیرد، مصداق خیانت خواهد بود.

طبرسی ذیل همین آیه شریفه، سهل انگاری در انجام امور و سرپیچی از دستورات الهی را خیانت دانسته و می‌فرماید: «ای مردم در کارهایی که خداوند شما را نسبت به آنها امین سپرده و انجام آنها را به شما واگذار کرده است، خیانت نکنید و آنها را بدون کم و کاست، انجام دهید» (بیستونی، ۱۳۹۰: ج ۱۰، ص ۱۹۸-۱۹۹). لذا، امیرالمومنین علی (ع) بزرگ‌ترین خیانت را ترجیح مصالح شخصی بر مصالح جمعی دانسته و از اینکه به خاطر رضایت مندی و خوشامد دشمن، جامعه اسلامی را گرفتار کنیم، به شدت پرهیز داده و می‌فرماید: «وَإِنَّ أَعْظَمَ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ وَأَفْظَعَ الْغِيْشِ غِيْشُ الْأَيْمَةِ»، «بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به مسلمانان است و بزرگ‌ترین دغل‌کاری، دغل‌کاری با پیشوایان» (نهج البلاغه، ۱۳۷۴: نامه ۲۶).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز ملاک خیانت بودن فعل را تبیین نموده و بیان می‌دارند، «اینکه اسرار نظامی مسلمانان در اختیار دشمنان قرار گیرد و آنان در راه مبارزه با مسلمانان تقویت و امیدوار گردند، مصداق خیانت است». بنابراین، نافرمانی و ادا نکردن حقوق و وظایف خود در ارتباط با این امانت‌ها، خیانت می‌باشد، همان‌گونه که پیشی گرفتن ناصالحان بر صالحان در مسئولیت‌های اجتماعی، خیانت به خدا،

رسول و مسلمانان می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۷، ص ۱۷۲-۱۷۵). بنابراین، مسئولین حکومت اسلامی نباید اسرار و اطلاعات دولت اسلامی را فاش کنند، چه برسد به اینکه دولت کافر را مطلع سازند، هرچند ارتباطی صمیمی و دوستانه برقرار کرده باشند.

۳-۲. عدم اتخاذ کفار به عنوان ولی و دوست

قرآن کریم در سوره مانده صراحتاً به مسلمانان هشدار می‌دهد که «ای کسانی که آورده‌اید، اهل کتاب را به عنوان اولیاء خود نگیرید، اهل کتاب برای همدیگر دوست و ولی هستند، اما برای شما نخواهند بود، و اگر شخصی از شما، آنان را به دوستی بگیرد، از آنان خواهد بود و از مسلمانان خارج می‌گردد، چنین شخصی نه تنها ظالم به خود می‌باشد، بلکه خداوند نیز او را از مجموعه مسلمانان خارج نموده است، و یهودی و مسیحی به حساب می‌آورد» (مانده، ۵۱). همچنین خداوند در سوره ممتحنه به نقل از حضرت ابراهیم (ع) می‌فرماید: «بین ما شما دشمنی و کینه آشکار شد، تا زمانی که ایمان بیاورید (ممتحنه، ۴). حتی در آیه ابتدایی همین سوره می‌فرماید: «دشمن من و دشمن خودتان را به عنوان ولی و دوست نگیرید، و بدانید که روابط پنهانی شما را می‌دانم».

این موضع قوی و شدید، صرفاً در مقابل کفاری بوده که با مسلمانان جنگیدند و راه تبلیغ اسلام را بستند، و بر علیه مسلمانان و پیامبر اسلام (ص) توطئه کردند. همچنین در ادامه سوره ممتحنه می‌فرماید: «اگر ما چنین حکمی جعل نمودیم، علت این بود که کفار بر علیه مسلمانان جنگ راه انداخته و آنان را از خانه محل زندگی‌شان اخراج نمودند، مسلمانان را شکنجه کردند و دشمنان اسلام را پشتیبانی نمودند (ممتحنه، ۹)، لذا، دیگر حرمتی برای آنان وجود ندارد. در فقه اسلامی نیز آمده است که مال، جان و ناموس کافر حربی حرمتی ندارد (نجفی جواهری، ۱۳۶۲: ج ۲۷، ص ۱۲۴).

این نکته را نیز باید در نظر داشت که اگر ارتباط با بعضی از کفار جایز باشد، خود این ارتباط نیز اصولی دارد، از جمله، قاعده نفی سبیل، قاعده مقابله به مثل، قاعده عدم اعانه بر اثم و... (علی احمدی و صالحی، ۱۳۸۳). البته پژوهش حاضر در مقام بیان این اصول نبوده و اینها را مفروض خود دارد. از زمینه آیات استفاده می‌شود که بعضی از مؤمنین مهاجر، در خفا با مشرکین مکه رابطه دوستی داشته‌اند و انگیزه آنها در این دوستی جلب حمایت آنان از ارحام و فرزندان خود بوده که هنوز در مکه مانده بودند. این آیات نازل شد و ایشان را از این عمل نهی کرد. منظور از این دشمنان مشرکین مکه هستند و

دشمن بودنشان برای خدا به خاطر مشرک بودنشان است، به این علت که برای خدا شرکائی قائل بودند، خدا را نمی‌پرستیدند، دعوت او را نمی‌پذیرفتند و رسول او را تکذیب می‌کردند. دشمن بودنشان برای مؤمنین به این دلیل بود که مؤمنین به خدا ایمان آورده بودند و مال و جان خود را در راه خدا فدا می‌کردند (طباطبائی، ۱۳۶۳: ج ۱۹، ص ۳۸۸-۳۹۱). خداوند در ادامه می‌فرماید: «اگر غرض شما در بیرون رفتن و هجرت کردن، طلب رضای من است، پس این دشمن بودن‌تان با آنها را نشان دهید و طرح دوستی با ایشان نیفکنید و آنها را دوستان خود نگیرید»، «تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ»، یعنی «در پنهانی با ایشان اعلان می‌کنید که بین شما و ایشان دوستی است»، «وَ أَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَحْفَيْتُمْ وَ مَا أَعْلَنْتُمْ»، «و حال آنکه من دانایم به آنچه که شما در پنهانی می‌کنید (بیستونی، ۱۳۹۰: ج ۲۴، ص ۳۶۰-۳۶۱).

در آیه بعد، برای تأکید و توضیح بیشتر، می‌افزاید: «شما برای چه طرح دوستی با آنها می‌ریزید؟ با اینکه «إِنْ يَتَفَقَّهُكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً...»، اگر آنها بر شما مسلط شوند، دشمن شما خواهند بود، و دست و زبان خود را به هرگونه بدی بر شما می‌گشایند، «وَ وُدُّوْا لَوْ تَكْفُرُونَ» و این درست دردناک‌ترین ضربه‌ای است که می‌خواهند بر شما وارد کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۴، ص ۲۳-۲۵).

۴. مبانی نظری

یکی از نیازمندی‌های مهم اجتماعی و تربیتی، افزایش و ترویج هرچه بیشتر عنصر محبت در جامعه است. امام صادق (ع) برای افزایش، گسترش و تعمیق محبت، ضمن روایتی ارزشمند چنین بیان می‌کنند: «ثَلَاثَةٌ تُورِثُ الْمَحَبَّةَ: الدِّينُ وَ التَّوَّاضُعُ وَ البَدَلُ»، «سه چیز است که محبت می‌آورد: دین، فروتنی و بخشش» (ابن شعبه حرّانی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۱۶). در روایت دیگری، می‌فرمایند: «تهادوا تحابوا»، «به یکدیگر هدیه دهید تا دوست هم باشید، چرا که هدیه کینه را از بین می‌برد» (نوری، ۱۴۲۷: ج ۳، ص ۴۲۷).

همچنین از حضرت علی (ع) حدیث دیگری منقول است که می‌فرماید: «هدیه محبت می‌آورد و هیچ چیز مثل هدیه، فرمانروا را ملایم و خشم را بیرون و رانده شده را متمایل و کارهای سخت را آسان و بدی‌ها را دور نمی‌کند» (نوری، ۱۴۲۷: ج ۳، ص ۴۲۷). محبت، یک میل فطری و ریشه‌دار در درون انسان‌ها است، چرا که ما در امیال فطری بحث می‌کنیم که هر کسی خودش را دوست دارد و نسبت به خودش محبت دارد، پس، برای ایجاد کانون محبت در دل دیگران، کافی است دیگران را نیز همانند خودمان دوست داشته، و هر آنچه برای خود نمی‌پسندیم، برای دیگران نیز نپسندیم، ولو اینکه طرف مقابل مسلمان نبوده و

کافر باشد. در فقره اول روایت مذکور، مسأله دین و دینداری مطرح شده که چون ملاک دینداری «صدق الحدیث و وفاء الامانه» دانسته شده است، لذا دولت اسلامی اگر متعهد گردید، باید به عهد خود وفا کند، امیر مؤمنان (ع) به مالک اشتر فرمان داد که «اگر به دشمن خود هم وعده‌ای داده‌ای، باید به پیمان خود وفا کنی»، آنجا که فرمود: «وان عقدت بینک و بین عدوک عقده...»، «اگر بین خود و دشمن پیمانی بستنی و یا تعهد کردی که به او پناه دهی، جامه وفا را بر عهد خود بپوشان و تعهدات خود را محترم بشمار و جان خود را سپر تعهدات خویش قرار ده، زیرا هیچ یک از فرایض الهی مانند وفای به عهد و پیمان نیست که مردم جهان با تمام اختلافاتی که دارند، نسبت به آن این چنین اتفاق نظر داشته باشند و حتی مشرکان زمان جاهلیت آن را مراعات می‌کردند، چرا که عواقب پیمان‌شکنی را آزموده بودند. بنابراین، هرگز پیمان‌شکنی مکن و در عهد خود خیانت روا مدار و دشمنت را فریب مده...» (نهج البلاغه، ۱۳۷۴، نامه ۵۳).

همچنین امام علی (ع) در جایی دیگر می‌فرمایند: «فِی الصَّبْرِ وَالشَّدَّةِ یُظَهَّرُ حُسْنُ الْمَوَدَّةِ»، «در تنگنا و سختی، دوستی راستین، آشکار می‌شود» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۵۵۳)، یعنی اگر دولت اسلامی در شرایط سختی و نیاز دولت مقابل بتواند ایفای نقش نموده و او را یاری کند، این قدرشناسی دولت مقابل تا مدت زیادی ادامه‌دار خواهد بود. نخستین بازتاب و برآیند خلف وعده و عمل نکردن به عهد و پیمان در اجتماع و یا حتی در فضای روابط بین‌الملل، سلب اعتماد خواهد بود. امام علی (ع) می‌فرماید: «لا تعتمد علی مودة من لا یوفی بعهده»، «به دوستی کسی که به عهد خود وفا نمی‌کند، اعتماد نکن» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۵۴۴). همچنین ایشان می‌فرمایند: «الخلف یوجب المقمت عندالله و عند الناس قال الله تعالی کبر مقتاً عندالله ان تقولوا مالا تفعلون»، «پیمان‌شکنی موجب خشم خدا و مردم است و خداوند می‌فرماید خشم خدا بزرگ است در اینکه می‌گوئید آنچه را به‌جا نمی‌آورید» (نهج البلاغه، ۱۳۷۴: نامه ۵۳).

۴-۱. تحلیل روش‌های ایجاد یک رابطه دوستانه

۴-۱-۱. ارائه خدمات علمی و اقتصادی و صنایع دفاعی

یکی از عواملی که سبب دوستی و قرابت دولت‌های مختلف و تعامل دوسویه و مستمر می‌شود، تعاملات اقتصادی، علمی و تکنولوژی است که بسیار حائز اهمیت می‌باشد، چرا که اگر یک دولت بتواند داشته‌های علمی و آکادمیک خود را در اختیار دولت دیگر قرار دهد، نه تنها نیاز او را برطرف کرده، بلکه زیرساخت و زمینه پیشرفت او را نیز فراهم آورده است، و دولت مقابل نیز خود را در مرزهای علم جهانی

می‌بیند که این خود سبب شأن و جایگاهی برای او خواهد بود، هرچند ممکن است بعضی از کشورهای پیشرفته خساست علمی به خرج داده و آن را در انحصار خود قرار دهند تا بتوانند سلطه و تسلط خود را بر دیگران حفظ نمایند، اما دولت مقابل وقتی می‌بیند که کشور اسلامی با بسط ید و طیب خاطر این پیشرفت‌ها را در اختیارشان قرار می‌دهد، و تواضع علمی از خود به خرج می‌دهد، در حالی که می‌تواند در انحصار خود نگاه دارد، به این باور می‌رسد که دولت اسلامی حسن نیت داشته و همین شراکت و گره خوردن منافع و ایجاد ارتباط اقتصادی، یک رابطه دوستانه و صمیمی بین دو دولت برقرار می‌کند، هرچند طرف مقابل یک کشور و یا دولت کافر باشد، کما اینکه در منابع دینی، روایاتی درباره حسن معاشرت و دوستی انسانی نقل آمده است، «یهودیان بسیار مسلمان شدند و سبب آن معاشرت نیک امیرمؤمنان(ع) بود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۰، ص ۱۱۳). پیامبر(ص) برای جنازه یهودیان به پا می‌خواستند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۸۱، ص ۲۷۳). رسول خدا(ص) هدایای یهودیان را می‌پذیرفت (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۰، ص ۱۰۷). امام محمدباقر(ع) و امام صادق(ع) توصیه می‌کردند که: «وان جالسک یهودی فاحسن مجالسته»، «اگر با یهودی همنشین شدی، با او نیک معاشرت کن» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۴، ص ۱۵۲). امیرمؤمنان(ع) به عاملان خراج توصیه می‌فرمود: «ایاک ان تضرب مسلماً او یهودیاً او نصرانیاً فی درهم خراج»، «برحذر باشید از اینکه به خاطر درهمی از مالیات، شخص مسلمان و یا مسیحی و یا یهودی را بزیند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۱، ص ۱۲۸).

انسان‌های متواضع را همگان دوست دارند و برای آنها ارزش و احترام قائل هستند. آنان با صحبت و همنشینی با دیگران، بذری دوستی و محبت را در دل‌ها می‌کارند. در نتیجه انسان‌های فروتن، محبوب دل‌ها می‌شوند. حضرت علی(ع) در این باره می‌فرماید: «ثمرة التواضع المحبة»، «نتیجه تواضع و فروتنی، محبت است» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۳۲۳)، «و ثمرة الکبر المسبة»، «و نتیجه گردن‌کشی، دشنام» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۱۷). کسانی که متواضع‌تر هستند، محبوبیت اجتماعی بیشتری در میان مردم دارند. از این‌رو، مردم در کارها و مشکلات خود بیش از همه به آنها مراجعه می‌کنند و این‌گونه افراد را در سختی‌های زندگی یاری کرده و برای رهایی آنان از این تنگناها می‌کوشند، و چون ایشان به خاطر خدا، بندگان او را بزرگ و گرامی داشتند، خدا هم به آنها جایگاهی با ارزش در میان بندگان می‌بخشد (جعفری، ۱۳۸۴). از حضرت علی(ع) روایت است که: «سه چیز موجب محبت دیگران می‌شود: دینداری، فروتنی و بخشندگی». در مقابل اما مردم از پیرامون متکبران پراکنده می‌شوند. آنها هرگز نمی‌توانند کار گروهی و

جمعی انجام دهند، زیرا برای دیگران ارزش و جایگاهی قائل نیستند، چنین افرادی حمایت مردمی نداشته و قلب و دل مردم با آنها نخواهد بود.

اهمّ موارد پیشرفت دولت اسلامی که برای دولت‌های کافر غیر حربی جذابیت داشته را می‌توان بدین شرح بیان نمود که هرچند جذابیت هر یک از این موارد می‌تواند به نسبت کشورهای مختلف، متفاوت باشد، مثلاً بعضی کشورهای کم‌تر توسعه یافته بیشتر خواهان توسعه زیرساخت‌های حیاتی خود هستند، مواردی از قبیل دانش مهندسی و عمرانی و انتقال تجارب ساخت مجتمع‌های پالایشگاهی برای دولت‌هایی که منابع اولیه را در اختیار دارند اما در مقام بهره‌برداری، صرفاً مصرف‌کننده هستند، و یا کشورهایی که گرفتار کم‌آبی و یا خشکسالی می‌باشند، تکنولوژی ساخت سد و انتقال آب می‌تواند مشکلات آنها را مرتفع سازد. در مقابل، پیشرفت‌هایی همچون تکنولوژی نانو و بارورسازی و شبیه‌سازی انسانی و حیوانی و علوم پزشکی برای کشورهایی که از جهت پزشکی احتیاج بیشتری دارند، نیز می‌تواند نافع بوده و آنان نیز از امکانات علوم پزشکی و آزمایشگاهی دولت اسلامی بهره‌برداری نمایند. همچنین انتقال تجارب دفاعی و کمک مستشاری و صنایع دفاعی به کشورهای مستقل که حاضر به تعظیم در مقابل مستکبران نیستند نیز می‌تواند هم ایجاد محبت نموده و هم آرمان استکبارستیزی را تقویت نماید.

۴-۱-۲. کمک‌های بشردوستانه

یکی از راه‌های موثر جذب قلوب و ایجاد محبت، نوع دوستی، سخاوت و بخشندگی است. همه افراد چه مومن و چه کافر، انسان بخشنده را دوست دارند. قرآن کریم نیز در این زمینه، می‌فرماید: «آیا پاسخ نیکی، جز نیکی است؟» (الرحمن، ۶۰). به تصریح قرآن کریم، احسان شامل غیرمسلمان نیز می‌گردد: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»، «خدا شما را از کسانی که در (کار) دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد (ممتحنه، ۸). از سیاق آیات و ویژگی‌هایی که در آیات قبل آمده روشن می‌شود که منظور از کسانی که با مسلمانان نجنگیده و آنان را از دیارشان بیرون نکرده‌اند، کافرانی هستند که با پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان بر ترک جنگ، بیرون نراندن مسلمانان و کمک نکردن دشمن بر ضرر مسلمانان عهد و پیمان بسته بودند (طباطبائی، ۱۳۶۳: ج ۱۹، ص ۳۹۹)، همان‌گونه که اکثر مفسران منظور از این افراد را کافران معاهد دانسته‌اند. براساس آیه ۸ سوره ممتحنه، همانند احسان به مستمندان جامعه اسلامی، احسان به مستمندان

جوامع غیر مسلمان نیز مورد رضایت خداوند است. برای مثال، اگر غیر مسلمانان، که با مسلمانان معاهده و پیمان دارند، دچار قحطی و خشکسالی یا سیل و زلزله و مانند آن شوند، مسلمانان باید به افراد آن جامعه کمک کنند (سلطانی شورباخورلو، ۱۳۸۳).

در روایات نیز بر سخاوت، ایثار و بخشندگی تأکید شده و میان مسلمان و غیر مسلمان در آثار انفاق و نوع دوستی، تفاوتی قائل نمی‌شود. در حدیثی از امام علی (ع) آمده است: «عَلَيْكُمْ بِالسَّخَاءِ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّهُمَا يَزِيدَانِ الرَّزْقَ وَ يَوْجِبَانِ الْمَحَبَّةَ»، «به یکدیگر هدیه بدهید تا محبت را در میان خود بیفزایید» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۹۲). آن حضرت در تعبیر دیگری پیرامون اهمیت «سخاوت»، به نکته لطیفی اشاره می‌فرماید: «عَطُوا مَعَايِكُمْ بِالسَّخَاءِ فَانَّهُ سَتَرَ الْعُيُوبَ»، «عیوب خویش را با سخاوت بپوشانید، زیرا سخاوت پوشاننده عیب‌ها است» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۹۴). صدق این کلام مولی، با تجربه به خوبی ثابت می‌شود. برخی افراد عیوب گوناگونی دارند، ولی چون سخاوتمند هستند، همه مردم به دیده احترام به آنها می‌نگرند (یعقوبی سورکی، ۱۳۹۱). در روایت دیگری از امام علی (ع) آمده است: «السَّخَاءُ يَمْحُصُ الذَّنْبَ وَ يَجْلِبُ مَحَبَّةَ الْقُلُوبِ»، «سخاوت، گناهان را پاک می‌کند و دل‌ها را به سوی سخاوت‌کننده فرامی‌خواند» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۹۲). این تعبیر نشان می‌دهد که «سخاوت» عامل پاکی بسیاری از گناهان است. همچنین در حدیث دیگری امام علی (ع) درباره تأثیر عمیق سخاوت در جلب قلب‌ها می‌فرماید: «مَا اسْتَجَلِبَتِ الْمَحَبَّةُ بِمِثْلِ السَّخَاءِ وَ الرَّفْقِ وَ حَسَنِ الْخُلُقِ»، «هیچ چیزی مانند سخاوت و مدارا کردن و حسن خلق، جلب محبت نمی‌کند» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۳۱۴). از آثار دیگر گشاده‌دستی این است که «سخاوت» مدافعان انسان را زیاد می‌کند، آبروی او را محفوظ می‌دارد و دشمنان و بدخواهان را عقب می‌راند. امیر مؤمنان (ع) در این باره می‌فرماید: «الْجُودُ حَارِسُ الْأَعْرَاضِ»، «جود و بخشش آبروی انسان را حفظ می‌کند» (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۹۲). حال با توجه به تأثیر عمیق و شگرف سخاوت و بخشندگی، و اینکه دولت اسلامی به دنبال جذب قلوب و ارتباط دوستانه و صمیمی با کشورهای دیگر می‌باشد، شایسته است در امور بشردوستانه و نوع دوستی نیز پیش قدم گردد.

۵. نتیجه‌گیری

دولت اسلامی به جهت متمایل کردن قلوب کفار و جلوگیری از تهاجمات احتمالی مستقیم و یا مشترک و یا با پشتیبانی همدیگر دولت‌های کافر، واجب است به دولت کافر که شرایطی را داشته باشد،

تحت عنوان تألیف قلوب، که یکی از موارد مصرف زکات واجب، المولفه قلوبهم می‌باشد، پرداخت نماید. هر کافری نیز مشمول این قاعده نبوده و دولت اسلامی باید حد و مرز تعامل خود را، طبق دستورات قرآنی، با همه افراد کفار روشن کند تا مبادا دشمنان خداوند و دشمنان مومنین را به دوستی خود جلب کنند.

از دیگر مباحث مطرح شده در پژوهش حاضر این بود که راهکارهای اجرایی ایجاد یک تعامل خوب و سازنده و پایدار با دولت‌های کافر، بررسی شد تا به دنبال این رابطه مثبت ایجاد شده بتوان، اولاً، مانع از اقدامات این دولت‌ها بر علیه دولت اسلامی شده و در مراحل بعدی تبلیغ دین و اصل دعوت اسلامی را به نحو احسن انجام داده و افراد بیشتری به دین مقدس اسلام رهنمون گردند و یا حداقل فشارهای اجتماعی و یا سیاسی از پیروان اسلام و حتی شیعیان ساکن در آن کشورها کاهش یابد.

منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه. صبحی صالح. قم: مرکز البحوث الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱. ابن شعبه حرّانی (۱۳۶۳). *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ج ۱.
 ۲. ابن منظور، محمد (بی تا). *لسان العرب*. بی جا: بی نا، ج ۹.
 ۳. آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*. محقق مصطفی درایتی. قم: مرکز نشر اسلامی.
 ۴. بلیس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۳). *جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین*. ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و همکاران. تهران: مؤسسه مطالعات ابرار معاصر، ج ۱.
 ۵. بیستونی، محمد (۱۳۹۰). *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. قم: بیان جوان؛ مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، ج ۱۰، ۲۴.
 ۶. جعفری، زینب (۱۳۸۴). *تواضع و فروتنی*. طبری، شماره ۳.
 ۷. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۸). *اصول روابط بین الملل*. تهران: انتشارات سمت، ج ۱.
 ۸. راغب اصفهانی، محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات فی غریب القرآن*. محقق صفوان عدنان داودی. بیروت: دارالقلم، الدار الشامیه.
 ۹. سلطانی شورباخورلو، اسماعیل (۱۳۸۳). *روابط اخلاقی و اجتماعی مسلمانان با غیرمسلمانان از دیدگاه قرآن*. معرفت، شماره ۸۳.
 ۱۰. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۶۳). *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۷، ۱۹، ۹.
 ۱۱. طباطبائی یزدی، محمدکاظم (بی تا). *الغایه القصوی فی ترجمه العروه الوثقی*. ترجمه شیخ عباس قمی. تهران: المکتبه الرضویه، ج ۲.
 ۱۲. طبری، محمد بن جریر (۱۸۷۹م). *تاریخ الامم والملوک*. لیدن: بریل، ج ۳.
 ۱۳. عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲ق). *معجم الفروق اللغویه*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
 ۱۴. علی احمدی، حسین؛ صالحی، سید مظاهر (۱۳۸۳). *اصول اسلامی حاکم بر دیپلماسی با کفار*. مکتب اسلام، شماره ۸.
 ۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: الناشر: مؤسسة الوفاء، ج ۴۰-۴۱، ۸۱، ۵۰، ۷۴.
 ۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۷، ۲۴.
 ۱۷. نجفی جواهری، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*. گردآورنده عباس قوچانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ج ۲۷.

۱۸. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۲۷ق). دارالسلام فی ما یتعلق بالرؤیا و المنام. بیروت: دارالبلاغه، ج ۳.

۱۹. یعقوبی سورکی، علیرضا (۱۳۹۱). جود و سخاوت از منظر قرآن کریم. قابل دسترس در:

<https://hawzah.net/fa/Article/View/98993>

20. Mansbach, R.W. & Rafferty, K.L. (2008). **Introduction to Global Politics**. Routledge.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2021.529570.1698

نائیج، علیرضا؛ نگهداری، محمد؛ نوروزی فیروز، رسول؛ (۱۴۰۰). تألیف قلوب و عزت در سیاست خارجی دولت اسلامی. سیاست متعالیه، ۹(۳۳): ص ۲۸۱-۲۹۶.